

داستان نویسی ایرانی

فردریک راماد

ترجمه: امیرحسین چهل تن

اورس گوسکن

تاریخ فشرده داستان کوتاه به مثابه یک ژانر ادبی

- بررسی کتاب فرانسوی
- LA NOUVELLE REVUE FRANCAISE
- ژانویه ۲۰۰۴ — شماره ۵۶۸
- JANVIER 2004 - N 568
- ویژه نامه ایران
- ECRIVAINS IRANIENS
- تهیه و تنظیم: فردریک راماد
- Dossier Prepare et Presente Par Frederic Ramade
- مقدمه: فردریک راماد
- Urs goesken
- ترجمه مقدمه: امیرحسین چهل تن - اورس گوسکن

۳۹۲

نشریه فرانسوی «La Nouvelle Revue Française» که سازمان انتشاراتی معتبر گالیمار ناشر آن است در پانصد و شصت و هشتمین شماره خود در ژانویه ۲۰۰۴ به معرفی نمونه‌هایی از ادبیات داستانی معاصر ایران پرداخته است. شهرنوش پارس‌پور، امیرحسین چهل تن، بیژن نجدی، منیرو روانی پور، رویا پیرزاد، فرخنده آقایی، فرزاد ابراهیمی، داریوش کارگر و نسیم وهابی نویسندگانی هستند که آثارشان در این شماره معرفی شده است. در مقدمه این بخش فردریک راماد Frederic Ramade به شرح و توصیف این ژانر ادبی در ایران پرداخته است.

مکانی دور، تزئین شده با نقوش شرقی و سایه روشن بوستانی که عطر یاسمن در آن موج می‌زند و آنگاه پیرمردی حکیم که سرپنجه را بر لبه دیوان حافظ بازی می‌دهد و فال می‌گیرد؛ صحبت از چنین جایی است.

آن مکان دور اما انگار آنجاست، پشت پنجره بی‌رونی یکی از بی‌شمار محله‌های تهران، شهری که حصار کوهها آن را در برگرفته است، شاید آن مکان دور اتاقک داغ تاکسی‌هایی است که راننده‌اش مسافران کلافه را جوری از بزرگراه‌های آن عبور می‌دهد که انگار کرباسی را جر می‌دهند.

چنین تصاویری از شیوه‌های یک زندگی عتیق البته دورند و همچنین از پیشداوری‌های ما غربیان و به همین خاطر است که آگاهی‌های حاصل شده از تاریخ طولانی استعمار تشنگی ما را برای کشف پدیده‌های اعجاب‌آور مردمان کشورهای دوردست مرتفع نمی‌کند.

دهه‌ای بیش از موفقیت غیرقابل انتظار سینمای ایران در غرب نمی‌گذرد؛ بینشی که این سینما از جامعه ایرانی در اختیار غربیان گذاشت، کلیشه‌های بسیاری را از ذهن آنها زدود. طرفه آنکه این سینما در عین حال سینمایی خلاقه و نوآور به حساب می‌آید.

سینمای ایران بدور از آن حال و هوای شرقی خاص و بی‌آنکه آن را یکسره نادیده بگیرد به میزان چشمگیری مدرن است؛ مدرنیسمی که از ترکیب نحوه و نگاه غربی با میراث فرهنگ سه هزار ساله ایرانی پدید آمده است. داستان مدرن فارسی نیز از چنین ترکیبی برخوردار است، این ادبیات در عین حال به مسائلی توجه نشان می‌دهد که ویژگی کشوری‌ست که عرصه اجتماع خود را در اختیار تحولات قرن بیستم قرار داده است.

برای ما غربیها لازم است با ادبیات غنی و خلاق فارسی آشنا شویم و البته این در شرایطی‌ست که نویسندگان ایرانی گاه خود به جستجوی پناه از مرزهای ما عبور می‌کنند.

باید به خاطر داشته باشیم که رابطه ادبی ایران و فرانسه آغازی خجسته داشت. تاثیر ادبیات فرانسه بر نویسندگان ایرانی کاملاً مشهود است؛ تاثیری که ترجمه‌های فراوان این ادبیات به زبان فارسی در قرن اخیر موجب آن بوده است. نقش چشمگیر ادبیات فرانسه در ایران یکی هم این است که فرم داستان کوتاه را جانشین فرم ادبی حاکم در ایران یعنی شعر کرده است و یکی از مهم‌ترین چهره‌های این صحنه صادق هدایت است که در فاصله دو جنگ جهانی درخشید و سایه‌اش بر تارک نسل‌های بعدی نویسندگان ایرانی همچنان می‌درخشد.

رمان بوف کور او پیش از آنکه در ایران اجازه انتشار داشته باشد به زبان فرانسه در پاریس منتشر گردید اما استقبال آندره برتون هم حتی از این رمان فرصت آشنایی ما را با آثار دیگر او فراهم نکرد.

ترجمه بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار او که در سالهای اخیر انجام گرفته است بیشتر حاصل کنجکاوی‌هایی‌ست که موفقیت سینمای ایران موجب آن بوده است. با این همه نویسندگان بسیاری که در کنار هدایت و بعد از او کوشش کردند تا به داستان نویسی فارسی وسعت بیشتری ببخشند در میان اهل فن در فرانسه تقریباً ناشناخته مانده‌اند.

آیا دلیل آن را باید در دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی مدهای ادبی دانست یا، یک بار دیگر، در اراده ما برای ماندن در گلستان رویایی فولکلور ایران که حافظ آن برای غرب دیکتاتورهایی بودند که تمایل چندانی در پذیرش مدرنیته که در انتظار آن را تحسین می‌کردند، نداشتند. این

LA NOUVELLE
REVUE FRANÇAISE

ISSN 0029-4802

ÉCRIVAINS IRANIENS

Dossier préparé et présenté par Frédéric Ramade

PAR NASIM VAHABI - CHÂHRNOUCH PÂRSIPOUR - BIJAN NADJDI
MONIROU RAVÂNIPOUR - ZOYÂ PIRZÂD
AMIR HASSAN TCHEHELTÂN - FARKHOUNDEH ÂGHÂI
FARZÂD EBRÂHIMI - DARIOUCH KÂREGAR - JAVAD

وضعیت البته به بوی لطیف نفت آغشته بود که برای سردمداران ما رایحه مطبوعی است و لذا به ادبیاتی که بیش از حد تخریب کننده از آب در می آمد روی خوشی نشان نمی دادند چرا که چنین ادبیاتی مایه آشفستگی است.

ولی تاریخ خودش را از نو نمی نویسد و ناچار چنین احتمالی بسیار جدی است که نخستین نسل از نویسندگان ایرانی عاقبت در سایه جانشینان شان ترجمه و خوانده شوند.

جوان ترین این جانشینان که حیات هنری خود را با جمهوری اسلامی آغاز کرده اند، نسل چهارم را تشکیل می دهند چرا که داستان مدرن ایرانی صد سالی بیشتر عمر نکرده است جوری که هنوز هم می توان نویسندگان آن را به ترتیب نسل ها بر شمرد؛ اگر چه برخی ترجیح می دهند در بررسی تاریخی خود از دوران ها یاد کنند: دوران پیشگامان، دوران رشد، دوران پس از انقلاب. هر یک از این دورانها که بر پیدایش سبکها و گرایشات متمایز نویسندگی دلالت می کند عمیقاً با یکی از رویدادهای مهم تاریخی معاصر مربوط می شود: انقلاب مشروطیت سال ۱۹۰۶ میلادی که چند سال بعد باعث سرنگونی خاندان قاجار می شود؛ دوران کوتاه یک حکومت دموکراتیک توسط مصدق نخست وزیر محمدرضا شاه پهلوی که در سال ۱۹۵۶ با حمایت سیا از کار برکنار و قدرت شاه که بدنبال نارضایتی مردم از کشور فرار کرده بود مجدداً اعاده می شود؛ انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی و استقرار جمهوری اسلامی این دورانها متناوباً امید و ناامیدی و دوره های کوتاه

درگیری با مشکلات اجتماعی، چالش با سیستم‌های

سیاسی و رویکرد اخلاقی ادبیات فارسی این ادبیات را نسبت به ذات خود متعهد کرده است. اما اگر تنها مشخصه ادبیات داستانی معاصر فارسی را در تعهد آن بینیم کارآیی چشمگیر آن را در تحول زبان ادبی، ساختارهای روایی و همچنین شخصیت‌پردازی منکر شده‌ایم. رد پای نویسندگان قبلی همچنان در نوشته‌های نویسندگانی که عمده آثار خود را پس از انقلاب منتشر کرده‌اند قابل مشاهده است؛ نوعی واقعیت‌گرایی اجتماعی موجود در قرن بیستم، اغلب خیلی سیاه ولی نه عاری از طنز. در حقیقت نویسندگان خود را متعهد می‌بینند که تحولات جامعه‌ای را توصیف کنند که در تنشی دائمی بسر می‌برد.

گرایش برخی از این نویسندگان به پدیده‌های خارق‌العاده و سحر و افسونگری را می‌توان میراث صادق هدایت از یکسو و تاثیر برخی انواع ادبیات آمریکای لاتین از سوی دیگر دانست. این نوع ادبیات از میراث کهن حکایت‌های فارسی نیز ملهم است که بارها و بارها با بیانی سرشار از صدا و رنگ و رایحه روایت شده‌اند.

دسته دیگری از نویسندگان ایران تمایل قابل توجه‌ای به درونیات آدمی، به روانکاوی - از نوع فرویدی یا یونگی - از خود نشان می‌دهند؛ توسل به تک‌گویی درونی، رفتن به سوی حواشی موضوع، حضور عنصر شک در روایت، هراس از محرومیت و شکل‌گیری شخصیت‌های پیچیده و گرفتار درگیری‌های عاطفی نشانه‌های چنین گرایشی است.

تاریخ، شکوه باستانی و سپس انحطاط آن همراه با دغدغه‌های ملی‌گرایی نیز یکی از مضامین ثابت ادبیات معاصر فارسی است؛ موضوعی که به درگیری و دوگانگی ایرانیان با فرهنگ اعراب می‌پردازد. این عربیت از طریق دین اسلام سرایت کرده است و همچنین در زبان فارسی که القبای کتابت خود را و بخش عمده‌ای از لغاتش را از زبان عربی وام گرفته است واضح می‌شود هر چند که ساخت این زبان همچنان هندو - اروپایی باقیمانده است. ایرانیان بهر جهت دوست دارند خود را به این پیشینه هندو - اروپایی مربوط بدانند، احساس آنها نسبت به عربیت بارها و بارها ما را متحیر کرده است.

جاذبه نفرت‌انگیز غرب یا اینکه چگونه مدرن باشیم بی‌آنکه هویت خود را از دست بدهیم البته موضوع فوق‌العاده جذابی است که همه نویسندگان غیرعربی خود را با آن مواجه می‌بینند. ازگی نسبی داستان‌نویسی در ایران و رابطه نزدیک آن با غرب و ترجمه تجربیات آنها در این

LA NOUVELLE
REVUE FRANÇAISE

JANVIER 2004 - N° 568

JAVIER MARÍAS SEPT RAISONS DE NE PAS ÉCRIRE
DE ROMANS ET UNE SEULE DE LE FAIRE

ÉRIC FOTTORINO LE MATIN SUIVANT

CAROLINE LAMARCHE LOLA SALOPE

NICOLAS REY UN CHEVREUIL

THOMAS A. RAVIER LES AUBES SONT NAVRANTES

EMMANUEL MERLE TOUTES LES PIERRES ONT UNE FACE PLATE



L'ombre des icônes

JUAN CORONEL QUIROGA LES MAINS DU CHE

présenté par Michel Braudeau

REINALDO ARENAS MOURIR EN JUIN, LA LANGUE PENDANTE

GUILLERMO CABRERA INFANTE RAÚL RIVERO

RAÚL RIVERO NEUF POÈMES

JIM HARRISON APRÈS LA GUERRE

LOUIS CHEVAILLIER PREMIERS SOUVENIRS D'UN MARTINI BLANC

NICK TOSCHES GYNÉCOLOGY

nrf

زمینه بر اهمیت این موضوع تاکید می‌کند.

و سرانجام دگرگونی‌های عمیقی که جامعه ایران به دنبال انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی آن را تجربه می‌کند و نیز جنگ هشت ساله عراق و ایران (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) که بیش از یک میلیون کشته و زخمی بر جا گذاشت خطوط جدید اندیشگی این ادبیات را تغذیه می‌کند. موقعیت زنان و تمایل آنها به استقلال به تحول آثار نویسندگان زن و در برخی موارد به گرایشات فمینیستی منجر گردیده است. تجربه تبعید و موقعیت دشوار سیاسی کسانی که مجبور می‌شوند به اروپا یا آمریکا پناه ببرند از دیگر محورهای اصلی نوشته‌های داستانی معاصر است؛ و این همان جایی است که مسئله زبان بیگانه، مفاهیم آن و همچنین دل‌تنگی برای وطن از دست شده و آرزوهای بر باد رفته خود را به نمایش می‌گذارد. برخی از این دسته از نویسندگان اخیر تا آنجا پیش می‌روند که در نوشتن زبان کشور میزبان خود را بر می‌گزینند و لاجرم از ارتباط حیاتی با هویت خود دست می‌شویند. ضربه‌های عظیم و نتایج عمیق جنگ هشت ساله با عراق و

در این ادبیات کاملاً محسوس است، برخی از این نویسندگان برای این شروع به نوشتن کرده‌اند تا بر ناگفتنی‌های جنگ گواهی دهند.

از اینها گذشته این ادبیات در زبان و در ساختار در هم می‌پیچد، می‌جهد و بار دیگر در خود

فرو می‌رود تا بهتر بشکفتد تا بتواند ترجمانی باشد از تعلیق، اضطراب، تضاد و سر در گمی‌های یک جامعه و یک دوران.

چه به زبان محاوره یا لحن چاله میدانی، چه به زبانی فخیم و شاعرانه و چه با زبان الکن یک تک‌گویی درونی بهر حال زبان فارسی در حال تغذیه داستان‌هایی‌ست که پرسش‌های بسیار مطرح می‌کند و هیچ شتابی برای پاسخ آنها از خود نشان نمی‌دهد.

در آن دوره‌های دور، دور از کاشی‌های لاجوردی و زعفرانی، دور از گل‌های سرخ شیراز، روی آسفالت داغ بزرگراه افریقا، در ازدحام میدان هفت تیر، در غوغای دانشگاه و بازار، در شتاب مدام مینی بوس‌هایی که هفتاد کیلومتر فاصله شرق و غرب شهر تهران را طی می‌کنند، در پارک‌هایی که دست‌های سیمانی برجها جایی که عاشقان بزدل با نگاه یکدیگر را جستجو می‌کنند

داستان معاصر فارسی نفس می‌کشد، دست و پا می‌زند، می‌سازد، امید می‌دهد و بدیل مدرنی را بشارت می‌دهد که می‌تواند پرسش‌های ما را شکل دهد، ما غریبی‌ها را که همواره به این اندیشه میدان می‌دهیم که مدرنیت دست پرورده ماست.